

## Dr. Bagheri's Online Critical Thinking Courses

دوره آموزش مهارت تفکر در تلویزیون آینه

جلسه چهل و یکم

مرور فضیلت های فکری

### A review of Intellectual Dispositions

این برنامه آموزشی با پشتیبانی و حمایت بنیاد غیر انتفاعی آینه تهیه و تقدیم حضور شما عزیزان میشود. در این بسته آموزشی که صد جلسه خواهد بود، اصول درست فکر کردن بر اساس آموزه های تفکر نقادانه، (Critical Thinking) و با بهره گیری از آخرین یافته های علمی در زمینه تفکر، آموزش داده میشود. هدف از این برنامه آشنایی همگان با اصول درست اندیشیدن است تا از این طریق شاهد گسترش هر چه بیشتر عقل ورزی و خردگرایی در جامعه باشیم.

### ۱۴ ویژگی اخلاقی متفکر نقاد

منصفانه اندیشیدن، مستلزم این است که هر دو جنبه تفکر نقادانه، یعنی مهارت ها (thinking skills) و فضیلت های فکری (intellectual virtues) در انسان پرورش یابد. به نظر ریچارد پال کسانی که جنبه مهارتی تفکر را دارا هستند اما از جنبه اخلاقی آن یعنی فضیلت های فکری بی بهره هستند، تفکر نقادانه را در معنای محدود و ضعیف (weak sense) در اختیار دارند. پال کسانی را مد نظر قرار میدهد که هدفشان از فراگیری ریزه کاریهای تفکر این است که بتوانند به کمک این دانش، از دیگران سو استفاده کنند، نه اینکه قصدشان این باشد که از نظر فکری رشد کنند و واقعیت ها را آنگونه که هست ببینند.

1

متفکر نقاد کنجکاوی فکری (intellectual curiosity) دارد، یعنی اینکه با ذهنی پرسشگر و جستجوگر در پی کشف حقایق بر می آید. او کنجکاوی هوشمندانه دارد و این اشتیاق سیری ناپذیر خود برای دانستن را صرف امور بیهوده و بی ارزش نمی کند و در جستجوی دانستن چیزی است که ارزش دانستن داشته باشد. مثلا اگر شغل ما ایجاب نمی کند

که بدانیم اولین گل تیم برزیل را در جام جهانی گذشته کدام بازیکن زد، چرا باید به دنبال دانستن چنین مطالبی باشیم؟ البته اگر خبرنگار ورزشی یا گزارشگر فوتبال باشیم اینگونه اطلاعات برای ما مفید است. گاهی دیده می شود افراد کنجکاوی و میل به دانستن خود را صرف اموری می کنند که زیاد به درد آنها نمی خورد. یکبار در یک برنامه تلویزیونی دیدم دو نفر درباره این موضوع صحبت می کردند که اگر انسان با جن ازدواج کند، فرزند آنها چه می شود.

2

متفکر نقاد فردی **مطلع و با معلومات (well-informed thinker)** است. ذهن کنجکاو و جستجوگرش او را به کسب دانش جدید فرا می خواند، بنابر این او فردی مطلع و با معلومات میشود. البته او از انباشت مطالب کم اهمیت در ذهن خود خودداری میکند و می داند که ذهن انباشته شده از محفوظات در تفکر و اندیشه ورزی کند میشود. او برای اینکه اطلاعات دقیق داشته باشد از منابع دست اول و موثق استفاده میکند و میداند کسانی که با نظریه ای مخالف هستند ممکن است آن را تحریف شده به دیگران معرفی کنند. لذا از منابع دست اول و از صاحبان یک اندیشه درباره آن سوال می کند و شنیدن سخن موافقان و مخالفان و آگاهی از نظرگاه هایشان را در دستور کار خود قرار میدهد. بی اطلاع بودن عرصه را برای دیگران فراهم می کنند تا هر مطلبی را به هر شکلی که میخواهند به خورد ما بدهند.

3

متفکر نقاد **تواضع فکری (intellectual humility)** دارد و بیشتر از آنچه می داند اظهار فضل و دانش نمی کند. او با تواضع فکری خود نسبت به مشکلات فکری خود آگاه است و میداند که ممکن است در سیستم باورهای او ایده های نادرست رخنه کرده باشند یا اینکه چگونه سوگیری ها او را از منصفانه اندیشی دور میکنند. آگاهی از این مشکلات و خطاهایی که میتواند در تفکر او وجود داشته باشد، به او فروتنی و تواضع فکری می بخشد. او با آگاهی نسبت به این گرایش طبیعی ذهن بشر که میخواهد وانمود کند میداند، بیش از آنچه را در واقع می داند، با این گرایش ذهن خود مبارزه می کند. او همواره به خود یادآوری می کند که نسبت آنچه می داند به آنچه نمی داند بسیار ناچیز است، بنابراین در اظهار نظر کردن محتاط است.

4

متفکر نقاد **تکیه بر دلیل و استدلال (confidence in reason)** دارد و هر جا دلیل محکم تر و شواهد قوی تری باشد، فروتنانه نظر و دلیل موجه تر را می پذیرد. از جمله خصلت های انسان متفکر و اندیشمند این است که بر عقل و دلیل و استدلال تکیه می کند و با دلیل و برهان قانع میشود. او در بیان دیدگاه و نظر خود نیز استدلال منطقی و داشتن دلایل موجه را سرلوحه کار خود قرار میدهد. با آگاهی از اینکه در تفکر نقادانه هرکس که ادله و شواهد قوی تری دارد نظرش مطاع است، اصالت را به خرد و عقل میدهد و ملاک او حجت آوردن است. او نیک می داند که واقعیت زندگی ما انسانها این است که مجبورمان میکنند با تحکم نظر والدین، معلم مدرسه، رئیس اداره و حاکمان سیاسی را بی چون و چرا بپذیریم. اینها کسانی هستند که معمولاً سعی میکنند نظر خود را بدون دلیل و برهان بر دیگران دیکته کنند. از طرفی دیگر، گرایشها و نحله هایی وجود دارند مانند برخی فرقه های مذهبی و عرفانی که اساساً عقلانیت و جایگاه عقل را زیر سوال می برند. وجود این گرایش ها سبب میشود تمسک به عقل و استدلال جایگاه خود را پیدا نکند. سومین واقعیت تلخ زندگی ما این است که افراد جامعه عموماً از نظر استدلال ضعیف هستند و مطالعات نشان داده که حتی کسانی که در حل مسائل پیچیده ریاضی زبردست هستند، استدلال منطقی را از مغالطه تشخیص نمی دهند. آگاهی از این واقعیت ها، متفکر نقاد را دلسرد نمیکند و او همچنان پایبند به عقل و دستاوردهای آن است.

## 5

متفکر نقاد **شهامت فکری (intellectual courage)** دارد و برای سنجشگرانه اندیشی درباره آداب و رسوم و باورهای دیرین جامعه به خود ترس راه نمی دهد و واهمه ای از این ندارد که دیگران او را طرد یا مسخره کنند. او بدون تعارف درباره هر چیزی نقادانه می اندیشد. واقعیت این است که بازاندیشی آداب و رسوم و باورهای دیرین یک جامعه معمولاً با واکنش منفی افراد آن جامعه مواجه می شود. این دلیلی است بر اینکه بدون شهامت فکری نمی توان متفکر نقاد بود. واقعیت این است که آزاد اندیشی و به پرسش گرفتن باورهای رایج و پرطرفدار در جامعه، شهامت و دلیری می طلبد و افراد معمولاً چنین شهامتی ندارند. انسان بطور طبیعی مایل است تا با مردم جامعه خود در همنوایی بسر ببرد. میل به هم رنگ شدن با جماعت از عادت های فکری دیرینه بشر است. انسان در طول تاریخ، از ترس اینکه از قبيله و گروهی که به آن تعلق دارد طرد شود، همنوا شدن با دیگران را سرلوحه کار خود قرار داده است. پیام ایمانویل کانت در مقاله روشنگری این بود که شرط خروج از نابالغی

فکری این است که انسان با شهادت فهم خویش را بکار گیرد، از این رو گفت شجاع باش و فکر خود را بکار گیر.

6

متفکر نقاد **استقلال فکری (intellectual independence)** دارد و در تفکر و تصمیم گیری مستقل عمل میکند و مطیع دیگران نیست. او خود مسئولانه می اندیشد و مسئولیت افکار، باورها و تصمیم های خود را بر عهده میگیرد، و از وابستگی در تفکر به دور است و اهل تقلید کورکورانه نیست. در حالیکه گرایش عمومی در جامعه به تقلید است، متفکر نقاد خود می اندیشد و اجازه نمیدهد دیگران برای او و بجای او فکر کنند. انسان باید اندیشیدن را بیاموزد تا مجبور نباشد عنان فکر و اندیشه خود را به دست دیگری بسپارد. البته هر جا لازم باشد با انتخاب آگاهانه خود از نظرات کارشناسان اهل فن بهره می برد، ولی هرگز مشورت و استفاده از نظرات کارشناسی به قیمت از دست رفتن استقلال فکری او تمام نمی شود.

7

متفکر نقاد **صداقت فکری** یا به تعبیری دیگر شرافت فکری (**intellectual integrity**) دارد و این صداقت فکری را هم در ساحت فکر و اندیشه (**thoughts**) و هم در ساحت اعمال و رفتار (**actions**) از خود نشان میدهد. صداقت فکری در دو سطح مطرح می شود. اگر در سطح افکار و اندیشه ها انسجام و یکپارچگی وجود داشته باشد و تناقض و ناهماهنگی در افکار و عقاید نباشد، به این ویژگی، انسجام منطقی (**Logical Consistency**) گفته میشود. کسانی که به خرافات در دیگر فرهنگ ها و ادیان متفکرانه نگاه میکنند، اما خرافات خودشان را اصلاً خرافات نمیبینند در بُعد اول یعنی در سطح افکار و اندیشه صداقت و انسجام فکری ندارند. بُعد دوم صداقت فکری این است که در کنار انسجام و هماهنگی که در افکار و اندیشه ها وجود دارد، بین افکار و اعمال ما هم این انسجام و سازگاری دیده شود. به این ویژگی انسجام عملی (**Practical Consistency**) گفته می شود. یعنی اینکه رفتار و کردار ما متناسب با باورها و اصولی باشد که از آنها دم میزنیم. به قول معروف سیاست یک بام و دو هوا نداشته باشیم. اگر رعایت مقررات رانندگی را نشانه شعور و تربیت می دانیم، خودمان هم واقعاً رعایت کنیم. متفکر نقاد مراقب است دچار نفاق فکری (**intellectual hypocrisy**) نشود، یعنی اینکه نه در افکار و اندیشه هایش تناقض و ناهماهنگی وجود داشته باشد، و نه بین باورهایی که از آنها دم میزند و اعمالی که انجام میدهد دوگانگی وجود

داشته باشد. او از معیارهای مناسب و یکسان برای سنجش ایده ها و باور های خود و دیگران استفاده می کند. متفکر نقاد برای مقایسه و ارزیابی کیفیت تصمیم گیری در خود و دیگران نیز از معیارها و سنجه های مناسب و یکسان استفاده می کند و از استانداردهای دوگانه برای مقایسه استفاده نمی کند.

8

متفکر نقاد **همدلی فکری (intellectual empathy)** دارد یعنی سعی میکند از زاویه دید دیگران به موضوع نگاه کند. کنار گذاشتن موقتی نظرگاه خود و نگاه به موضوع از چشم انداز طرف مقابل از نظر فنی کار چندان آسانی نیست. بر اساس آنچه مطالعات علوم اعصاب به ما میگوید انجام این کار بطور صد در صد غیر ممکن است چون برای اینکه از دید کسی دیگر به موضوعی نگاه کنیم نیازمند در اختیار داشتن همان سلول های مغزی او هستیم. در تفکر نقادانه می گوئیم انسان با مفاهیم ذهنی خود میتواند در باره پدیده های جهان فکر کند و مفاهیم ذهنی هر کس ابزار تفکر او هستند. بنابراین نمی توان ادعا کرد کسی میتواند بدون در اختیار داشتن مفاهیم ذهنی دیگری، در باره موضوعی از نگاه او بیندیشد. با این وجود متفکر نقاد سعی میکند با تمرین و ممارست تا حد ممکن همدلی فکری را تمرین کند. این فضیلت فکری دارای بعد مهارتی است که باید مورد توجه قرار گیرد و صرفا با اراده و تصمیم در انسان ایجاد نمی شود. همدلی فکری به متفکر نقاد کمک میکند تا با احترام گذاشتن به نحوه ادراک دیگران، مشکلات و اختلاف نظرها را برطرف کند. برای نقد یک دیدگاه و عقیده ای شرط اول این است که اطمینان حاصل کنیم آن عقیده را فهمیده ایم و بهترین شاخص برای نشان دادن فهم خود، این است که آن دیدگاه را برای صاحبان آن توضیح دهیم و آنها تایید کنند نظرشان دقیقا همین است که ما توضیح دادیم.

9

متفکر نقاد **انصاف فکری (intellectual fair-mindedness)** دارد. او سعی میکند به همه دیدگاهها اهمیت قائل شود و در بررسی و سنجش فقط به معیارها توجه کند نه اینکه دیدگاه خود را بسیار مشعشع و تابان و سایر دیدگاهها را به درد نخور و پوچ معرفی کند. به هنگام معرفی دیگران با همدلی فکری، متفکر نقاد انصاف فکری خود را نشان میدهد و از تمسخر و توهین خودداری میکند. باید توضیح دیدگاه مخالف آنقدر منصفانه باشد که کسی که ما را شناسد تصور کند طرفدار این دیدگاه هستیم. پس وقتی کسی دیدگاهی را مطرح میکند و نظری را بیان میکند، شما میتوانید از روی نوع واژگانی که استفاده میکند میزان

انصاف فکری او را مشخص کنید. این خصلت در درون خود نزاکت فکری (intellectual civility) را هم شامل میشود. یعنی اینکه متفکر نقاد انصاف فکری را رعایت میکند و هیچ دیدگاهی را مسخره نمیکند و به ریشخند نمیگیرند. اگر لازم باشد نقد میکند اما مسخره نه.

10

متفکر نقاد **پشتکار فکری (intellectual perseverance)** دارد. او نیک می داند هیچ چیز ارزشمندی آسان بدست نمی آید. کسی که بخواهد مهارت فکر کردن را بر اساس آموزه های تفکر نقادانه بیاموزد باید با تلاش و ممارست موانع تفکر منطقی و منصفانه را از سر راه خود بردارد، مهارت های فکری را بیاموزد و در خود خصلت های لازم برای منصفانه اندیشی را ایجاد کند و انجام این کار مهم نیازمند تلاش و پشتکار است. متفکر نقاد میدانند که گاهی فهم اندیشه و نظریه ای نیازمند زمان است و شاید لازم باشد برای مدتی در وضعیت ابهام باشد تا به نتیجه برسد. تحمل ابهام (ambiguity tolerance) شرط لازم برای دست یافتن به اندیشه های ژرف است ولی بسیاری از افراد زود خسته میشوند و دست از تلاش می کشند. متفکر نقاد تحمل باقی ماندن در ابهام و تردید را دارد. میدانند که گاهی فهمیدن زمان میبرد و باید تحمل باقی ماندن در حالت ابهام را داشت. مشکل این است که افراد معمولاً عجله دارند، میخواهند زود مطلب برایشان روشن شود و نسبت به مسئله ای باوری مشخص پیدا کنند زیرا حالت تعلیق را دوست ندارند.

11

**شک گرایی (skepticism)** یکی دیگر از ویژگی های بارز انسان متفکر و اندیشمند است. متفکر نقاد به هر نظر و ایده ای شک میکند تا راه را برای ارزیابی مجدد و در صورت لزوم تجدید نظر باز نگه دارد. او از یقین داشتنی که پنجره تفکر و اندیشه ورزی را ببندد احتراز میکند. او نیک می داند چه بسیار قوانین و باورهایی که بعد از بازاندیشی نقادانه عوض یا اصلاح شده اند و ایرادات آنها گرفته شده است. زمانیکه همه دانشمندان و مردم عادی با اطمینان باور داشتند که زمین مرکز عالم است و حتی کلیسا هم بر این باور صحنه می گذاشت، نیکلاس کپرنیک این باور همگانی را به چالش کشید و نشان داد این خورشید است که در مرکز منظومه شمسی قرار دارد و زمین به دور خورشید می چرخد. برای قدم گذاشتن در راه تفکر و اندیشه ورزی، باید تعصب خود درست انگاری را کنار بگذاریم و به بررسی منصفانه آرا و نظریات بپردازیم. برای ورود به این عرصه ابتدا باید از نردبان یقین پایین بیاییم و یاد بگیریم که چطور با شک همداستان شویم و با آن زندگی کنیم. باید بدانیم که این

شک و تردید است که ما را به قلمرو تفکر و اندیشه می فرستد. دکتر ابراهیمی دینانی میگوید برای اینکه از زندان ذهن خود رها شویم باید در تمام عقاید خود شک کنیم.

12

متفکر نقاد **ذهنی باز** دارد (open-minded) و همیشه پذیرای شنیدن و فهمیدن دیگر ایده هاست، بر خلاف بعضی ها که گوش میکنند تا جواب بدهند، او گوش می کند تا بفهمد، تا بتواند تحلیل کند و بعد از آن ارزیابی مناسبی انجام دهد.

13

متفکر نقاد **مسئولانه می اندیشد** (Intellectual Responsibility). او تبعات و پیامدهای تفکر و اندیشه خود را در نظر می گیرد. گاهی از فکری که شما نشر می دهید فکری دیگر شکل میگیرد و گاهی از فکر و اندیشه ای که مطرح می کنید عملی را در پی دارد. باید مسئولانه اندیشید. کسی که با سخنانش افراطی گری را ترویج می کند در قبال کارهایی که افراد بی مغز انجام می دهند مسئول است. نمونه آن اسیدپاشی روی خانم ها در اصفهان و برخی دیگر از شهرها.

14

متفکر نقاد **انتقاد پذیر** است (Criticism Tolerance). او بازخوردها و نقدها را با آغوش باز می پذیرد و سعی میکند درجه تحمل خود را بالا ببرد. البته این بدان معنا نیست که زود تحت تاثیر دیگران قرار می گیرد و منفعلانه رفتار میکند.

این فضیلت های فکری بخش جدایی ناپذیر تفکر نقادانه است. تا این ویژگیهای اخلاقی و این منش های شخصیتی در فرد نباشد نمی تواند منصفانه و منطقی بیندیشد و در این مسیر قدم بردارد.

یک بار دیگر یادآور می شوم تفکر نقادانه را از دو بعد خصلت های فکری و مهارت های فکری ببینید. دانشجویانی که میخواهند در این زمینه پژوهش کنند و پایان نامه بنویسند به این دو جنبه از تفکر نقادانه توجه داشته باشند. پرسشنامه ها و روش گردآوری داده ها برای مهارت ها و خصلت های فکری با هم فرق دارد

مثلا وقتی میخواهید **correlation** بگیرید و ببینید چه رابطه ای بین تفکر نقادانه و متغیر دیگری مثل فرسودگی شغلی معلمان **teacher burnout** وجود دارد به این نکته که خصلت های فکری و مهارت های فکری با پرسشنامه های مجزایی سنجش میشوند توجه داشته باشید.

نکته دیگری که باید توجه کنیم اینست که نباید خصلت های فکری را در وضعیت خاموش و روشن دید. یعنی یا فردی شهامت فکری را به تمامی دارد و یا اصلا این ویژگی را ندارد.

بجای آن بهتر است وضعیت خصلت های فکری نظیر تواضع فکری را روی یک محور در نظر بگیرد که نقطه ایده آل آن حد وسط مطلوب باشد که قبلا توضیح دادم

توجه به موضوع ارتباط درون سیستمی خصلت های فکری مهم است. تواضع فکری بدون داشتن شهامت فکری ایجاد می شود. برای اینکه همدلی فکری پیدا کنیم نیاز به پشتکار فکری داریم.

دلیل اینکه در برخی پرسشنامه ها مثل **California CT Dispositions Inventory** تعداد کمتری مثلا شش یا هفت خصلت را در نظر میگیرند و نتیجه را تعمیم می دهند این است که از طریق فکتور آنالیز به این تعداد کمتر رسیده اند ولی چون هدف ما معرفی تفکر نقادانه و آموزش آن است به همه مواردی که فکر میکنیم ضروری است اشاره میکنیم